



معماری بومی ایرانی با نگرشی اسلامی

الهام یوسفی مقدم

کارشناس معماری، عضو نظام مهندسی ساختمان و معلم آموزش و پرورش خراسان رضوی

Email: e_y1361@yahoo.com,

چکیده

مفهوم معماری بومی سابقه ای به بلندای تاریخ دارد هویت یک ملت و فرهنگ یک کشور در طی یک دهه یا حتی یک سده ساخته نمی شود هویت و فرهنگ شاخصه یک تمدن است که در طی قرن ها شکل می گیرد و تاثیر خود را در معماری و شهرسازی آن کشور می نمایاند. در این مقاله اشکالاتی که در معماری نوین وجود دارد را با ریشه یابی هویت معماری اسلامی را آشکار ساخته و با معماری ایرانی عجین می کند. مؤلفه های کالبدی و مؤلفه های مؤثر برای تحقق هویت بخشی و سیاست های کلی طراحی و اجرای پروژه های مبتنی بر معماری ایرانی- اسلامی و اقداماتی بصورت نمونه در تهران نیز ذکر شده است. هویت در تداوم تاریخی و پیوستگی آن نهفته و وابسته به عنصر زمان است داشتن ویژگیهای مشترک در طول زمان و استمرار آن به نحوی که تجربه های مشترک انسانی را رقم بزند این مفهوم راتداعی می کند معماری و شهرسازی محصول تعامل انسان با محیط و جامعه با تاریخ تلقی می شود به عبارتی روشن تر معماری ظرف زندگی و شهر آبادی ای است که روح اجتماعی در آن دمیده شده است. شهرنشینی در دوره اسلامی از دگرگونی سنتهای عهدسسانی در ایران پدید آمد و با تغییر اوضاع سیاسی واداری واجتماعی واقتصادی متحول گردید. شهرهای اسلامی براساس احساس دینی از زندگی واستقلال هرمؤمن وحرمت حریم خانواده واهمیت خلوت گزینی شکل گرفته بود. ازاین رونقش مذهبی شهربراهداف نظامی واقتصادی اولویت یافت . تأثیردین مبین اسلام برساختاروالگوهای شهرهای اسلامی از نظر کالبدی وفضایی تأثیرویژه ای داشت . شهرسازی اسلامی سبب شدکه نقش شارستان کم رنگ شود وتوسعه شهردر رض وپیدایش بازاروتقسیم بندی محلات جدیدوپیدایش مراکز مذهبی وتجاری ازویژگیهای مهم آن محسوب شود .پس مهم ترین فضاهایی که برحیات شهرحاکم بود : فضای مذهبی ، حکومتی ، صنفی ومحلات بود . شهرسازی اسلامی بریافت مسکن هم تأثیربسیازی گذاشت وکوچه هابرای رسیدن به مسکن کم عرض شده وحالت نیمه خصوصی پیداکرد، تازدیدرگهگذران دورنگه داشته شود. حتی درمحل ورودبه سکونتگاه هم ایجادهشتی سبب محرمیت وخصوصی شدن مسکن شد. معماری و شهرسازی همانند بسیاری از فنون ، هنرها و بدایعی که در جامعه بشری رخ می نمایند ، بر مبنای اصول و ارزشهایی شکل گرفته اند که این اصول و ارزشها نیز به نوبه خود منبعث از طرز تفکر و ارزشهای فرهنگی حاکم بر جامعه بوده و در عین حال از شرایط اقلیمی و محیطی ، شرایط اقتصادی ، از مقولات سیاسی و.. متاثر می باشند. برای ارزیابی یا تهیه طرح و برنامه هایی برای معماری و شهرسازی اسلامی آن معیارهایی مناسب خواهند بود که از جهان بینی و تعالیم اسلامی استنتاج شده باشند. فقدان اصول و معیارهایی برآمده از فرهنگ و جهان بینی اسلامی در مقوله معماری و شهرسازی معاصر ایران ، معضلات و مشکلاتی را در این زمینه به همراه آورده است . این مقاله به ریشه یابی این معضلات و نابسامانیها در معماری وشهرسازی معاصر ایران می پردازد و با بررسی جدیدترین مقالات هویت شناسی معماری اسلامی نگاهی به راهکارهای اصلاح و بهبود معماری در ایران را با خط مشی نظام جمهوری اسلامی و پیشنهاداتی برای برون رفت از این مشکلات نیز ارائه می شود.



کلمات کلیدی: هویت، معماری، ایرانی اسلامی، بهبود، شهر سازی

مقدمه

مفهوم هویت سابقه ای به بلندای تاریخ دارد هویت یک ملت و فرهنگ یک کشور در طی یکدهه یا حتی یک سده ساخته نمی شود هویت و فرهنگ شاخصه یک تمدن است که در طی قرن ها شکل می گیرد و تاثیر خود را در معماری و شهرسازی آن کشور می نمایاند در معماری معاصر ایران واژه هویت دچار بحران شده و بصورت مفهومی انتزاعی درآمده است اگر فضاهای شهری را عرصه تجلی فرهنگ و هویت ملت ها بدانیم آنگاه می پذیریم که آنچه امروز در شهرهای ایرانی رخ می نماید نوعی کناره گیری از ارزشهای غنی فرهنگی و کهن ساکنان این سرزمین است. (اسدی و همکاران، ۱۳۹۰)

هویت در تداوم تاریخی و پیوستگی آن نهفته و وابسته به عنصر زمان است داشتن ویژگیهای مشترک در طول زمان و استمرار آن به نحوی که تجربه های مشترک انسانی را رقم بزند این مفهوم راتداعی می کند معماری و شهرسازی محصول تعامل انسان با محیط و جامعه با تاریخ تلقی می شود به عبارتی روشن تر معماری ظرف زندگی و شهر آبادی ای است که روح اجتماعی در آن دمیده شده است معماری و شهر برای انسان فراتر از کالبد رفته و مجموعه ای از ادراکات کاربر از فضا و اجزا آن را به صورت یک هاله معنایی در برمی گیرد با ورود اسلام تفسیر کودکانه در معماری و شهرسازی ایرانی تبدیل به تفسیری حکیمانه گشت چرا که در اسلام همه عالم مظهر وجود اوست حقیقت معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی درعین سیال بودن ماهیت از حیثیت پایدار هویت برخوردار است. (الهی، ۱۳۹۰)

انتقال تجارب گذشتگان از نسلی به نسل دیگر باعث پیشرفت علمی و فنی، تداوم فرهنگی، تحکیم هویت ملی تقویت حس خوداتکابی بوده و زمینه را برای موفقیتها یجدیدتر علمی و فنی و دستیابی به توسعه پایدار فراهم آورده است. معماری گذشته ایران به خصوص در دوران پس از اسلام، مملو از نمونه های باارزش بکارگیری شیوه های پردازش بنا بصورت کارا و بهینه و دستیابی به آنچه که امروز معماری پایدار نامیده می شود، می باشد. علیرغم این واقعیت روشن، متأسفانه تاریخ معاصر ایران به دلایل زیاد و در ابعاد مختلف با انقطاع فرهنگی و گسست از تجارب تاریخی و اصول بیزمان جاری در سنتهای ارزشمند فرهنگ خودی، مواجه شده است و یکی از آثار این گسست، دور شدن از هویت بومی و ارزشهای اسلامی در آثار معماری امروز ایران است. عدم استفاده درست از تجارب ارزشمند تاریخی در حوزه معماری، ساماندهی محیط مصنوع و فن آوریهای آن در دستیابی به اصل پایداری در بنا، شاهد روشن این مدعاست. (لیب زاده ، خان محمدی، ۱۳۹۰)

ویژگیهای محیطی و شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی، ترکیب اصول و اعتقادات فرهنگی و دینی با عوامل فیزیکی نظیر نحوه ساخت، روشهای اجرا و مصالح بومی، در شکلگیری و هویت بخشی معماری اصیل منطقه تاثیرات بسزایی داشته است. (مولانابی ، سلیمانی، ۱۳۹۰)